



دکتر احسان عباسپور

دبیر نظام مسائل کلانشهر اهواز

تحلیل جنگ دوازده روزه ایران و رژیم صهیونیستی

ترامپ قمارباز؛ بانی آشوب یا ناجی صلح

دونالد ترامپ در تلاش است تا خود را به عنوان «میانجی بزرگ صلح» در خاورمیانه معرفی کند. این بار، صحنه‌ای که او برای نقش‌آفرینی خود برگزیده، بحران شدید و خون‌بار میان ایران و رژیم صهیونیستی است؛ بحرانی که برخلاف تبلیغات رسانه‌ای غرب، ریشه در سال‌ها تجاوزگری اسرائیل، ترور دانشمندان و فرماندهان ایرانی و جنگ‌های نیابتی دارد.

ترامپ که در دوره ریاست‌جمهوری قبلی‌اش با خروج یک‌جانبه از برجام و اعمال تحریم‌های حداکثری، یکی از اصلی‌ترین عوامل تشدید تنش‌ها در منطقه بود، اکنون در نقش «میانجی صلح» ظاهر شده است؛ نقشی که بیش از آن‌که واقعی باشد، نمایشی برای افکار عمومی آمریکا و دنیاست.

نقش ترامپ در شکل‌گیری شرایط فعلی خاورمیانه غیرقابل انکار است. ترور سردار شهید قاسم سلیمانی، افزایش تحریم‌های فلج‌کننده اقتصادی، پشتیبانی بی‌چون‌وچرای از تجاوزات رژیم صهیونیستی و زیر پا گذاشتن نهادهای بین‌المللی، تنها بخشی از میراث تاریک او در منطقه است. حال چه شده که بانی آشوب، خود را ناجی صلح می‌داند؟

ادعای او مبنی بر آمادگی برای برقراری آتش‌بس میان ایران و اسرائیل، در حالی مطرح می‌شود که هیچ‌گونه مشروعیتی برای میانجی‌گری ندارد؛ نه نزد جمهوری اسلامی ایران که او را آغازگر سیاست فشار حداکثری می‌داند، و نه حتی در ساختارهای بین‌المللی که آمریکا تحت رهبری ترامپ بارها آن‌ها را زیر پا گذاشته است.

قهرمان سازی ساختگی ترامپ، ترفندی تبلیغاتی بیش نیست

چهره‌ای که ترامپ از خود می‌سازد، چیزی جز یک تصویر مصنوعی برای رسانه‌های داخلی و لابی‌های صهیونیستی آمریکا نیست. در شرایطی که منازعه ایران و اسرائیل به یکی از پیچیده‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی جهان بدل شده، تلاش برای نمایش ترامپ به‌عنوان ناجی صلح، ساده‌انگارانه و ابزار است. آمریکا، نه به‌عنوان بازیگر بی‌طرف، بلکه به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین حامیان اسرائیل، فاقد اعتبار برای ایفای چنین نقشی است.

افزون بر این، تحولات میدانی در منطقه نشان می‌دهد که توازن قدرت در حال تغییر است. ایران، بعد از چند ساعت ابتدایی تجاوز، دیگر منفعل نیست و با بازسازی فوری ساختار نظامی، هماهنگی پافند یکپارچه کشور، استفاده از نسل جدید موشک‌های مختلف و همچنین ایجاد اتحاد، همدلی و انسجام میان همه اقشار و گروه‌های سیاسی در داخل کشور، ابتکار عمل را در مقابل تجاوزگری اسرائیل به دست گرفته است.

جمهوری اسلامی ایران، فارغ از بازی‌های نمایشی ترامپ و شبیه‌سازی‌های رسانه‌ای غرب، امروز به‌عنوان یک بازیگر باثبات، مستقل و دارای وزن راهبردی در منطقه شناخته می‌شود. تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران، هرگز متأثر از ژست‌های توخالی سیاستمدارانی چون ترامپ نبوده و نخواهد بود. تهران بارها اعلام کرده که هرگونه تلاش برای حل بحران‌های منطقه، باید بر اساس واقعیت‌های میدانی، احترام متقابل و رفع علل اصلی بحران صورت گیرد، نه بازی‌های تبلیغاتی انتخاباتی در چنین شرایطی، هرگونه آتش‌بس یا مذاکره، نیازمند بازتعریف معادلات امنیتی، حقوقی و سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است؛ نه حضور نمادین و غیرمؤثر چهره‌هایی همچون ترامپ.

لذا ترامپ نه میانجی است، نه صلح‌طلب، و نه قابل اعتماد. آنچه امروز از سوی او به‌عنوان “پیشنهاد صلح” مطرح می‌شود، چیزی جز تلاش برای بازسازی چهره سیاسی شکست‌خورده‌اش نیست. قهرمانی که او در ذهن خود ساخته، بر پایه‌ی نمایش، خودشیفتگی و تحریف واقعیات استوار است؛ قهرمانی که در میدان واقعیت، جز سایه‌ای پوشالی نیست. قهرمان خودساخته ترامپ، سایه‌ای از واقعیت ندارد؛ نه در تهران، نه در تل‌آویو، و نه حتی در واشنگتن. خاورمیانه دیگر به بازیگران پوشالی نیاز ندارد.

